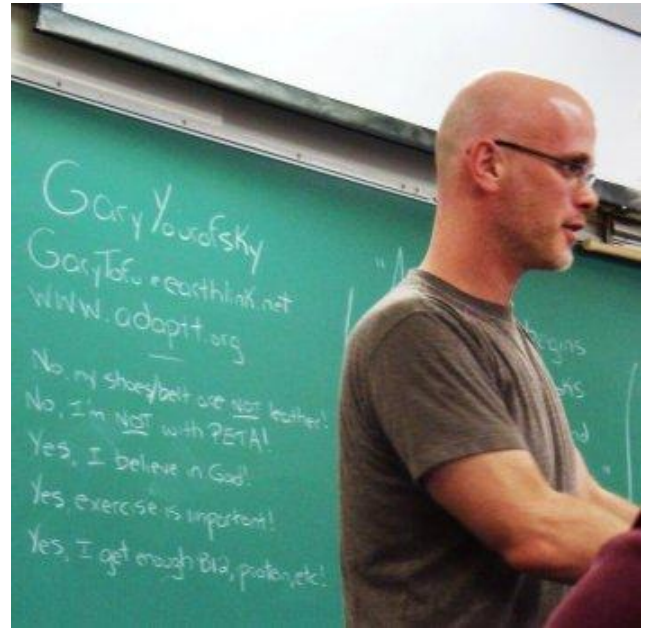




چه احساسی می داشتید اگر شخص دیگری از قبل وقتی متولد شدید، روز اعدامتان را برنامه ریزی کرده بود؟  
اگر شما حیوان بودید. این برایتان برنامه ریزی شده بود. وقتی در صنعت لبنیات باشید، فقط هفت سال عمر می کنید،  
همین. اگر در صنعت گوشت گاو باشید، به شما دو و نیم تا سه سال عمر داده خواهد شد. ای خوک ها، به شما شش ماه یا شاید  
یکسال عمر دهند، به جوجه ها، 49 روز

"گری یوروفسکی"، وگان و حامی فداکار حیوانات از "دیترویت"، میشیگان، آمریکا است. ایشان موسس سازمان غیر انتفاعی "حیوانات، امروز و فردا"، شایستگی حفاظت قاطع دارند" (ادپت) است. این سازمان، اکیداً با مصرف محصولات حیوانی، مخالف می کند.



گری " هر سال بیش از 200 سخنرانی درباره حقوق حیوانات و وگانیزم در آمریکا، ایراد می کند. تا به امروز او با بیش از 60 هزار دانش آموز و دانشجو در 170 مدرسه و دانشگاه سخن گفته است. "گری" از طریق داستان های واقعی، حقایق مسلم و گزارشات شخصی، حقیقت مهیب در پس بزرگترین دروغ دنیا- صنعت دامپروری - را فاش می کند.

من همیشه شگفت زده می شوم که گوشتخواران، می توانند یک گاو مرده، یک خوک مرده یا یک جوجیه مرده را دوست داشته باشند، اما نمی توانند حتی احترامی معمولی نسبت به زندگی آنها نشان دهند. هدف من ساده است، همپکاری که می خواهم بکنم این است که مردم را دوباره به حیوانات پیوند دهم و می خواهم احساسات و عواطف و منطقی را بیدار کنم که توسط جامعه ما، تعمداً دفن و سرکوب شده است.

من راه حقوق حیوانات و مبارزه برای عدالت و آزادی را انتخاب نکردم. آن مرا انتخاب نمود. من شیوه زندگی شما را می فهمم زیرا سابقاً زندگی من همینطور بود.  
وقتی "گری یوروفسکی" 23 سال داشت، ناپدری اش از او دعوت کرد که به پشت صحنه یک سیرک برود. او در آنجا این واقعیت آزار دهنده را مشاهده نمود که چطور با حیوانات در پس پردی فریبندی صنعت سیرک، رفتار می شود و شروع به پرسیدن سوالاتی نمود.

چه چیز دیگری در حال وقوع بود؟ غذای من از کجا می آید، کفش هایم از کجا می آید؟



پس من این داستان را برای بهترین دوستم، "دارن" تعریف کردم. همانطور که شما اتفاقات مهم را برای دوستان تعریف می کنید: "دارن، باورت نمی شود که دیروز در سیرک چه دیدم. فیل ها را زنجیر کرده بودند!" و او گفت: "اگر فکر می کنی که با فیل ها بدرفتاری می کنی، باید ببینی که در کشتارگاه، با خوک ها چطور رفتار می کنند." و من دانید وقتی من در ابتدا این سخنان را شنیدم، مثل هر گوشتخوار لجباز و معتاد به گوشت واکنش نشان دادم. من نیز نمی خواستم در اینباره بشنوم. نمی خواستم که باورش کنم، نمی خواستم درباره اش فکر کنم. گفتم: "از اینجا برو بیرون. مرد، تو یک اغراق کننده افراطی و دروغگو هستی. هرگز اینطور که می گویی نیست." برخلاف همی کسانی که وقتی اولین بار در این باره می شنوند و اینطور رفتار می کنند و سپس از بررسی کردن حقیقت صرف نظر می کنند، من صرف نظر نکردم.

من رفتم و بررسی کردم تا ببینم که چه چیزی در حال وقوع بود. در سال 1993، شش هفته را در کشتارگاه خوک در "تورن اپل" در "دیترویت"، میشیگان گذراندم و از آنوقت تاکنون در کشتارگاه های زیادی بوده ام و از آن ها فیلمبرداری کرده ام. من به زور وارد آزمایشگاه های تحقیقاتی حیوانات شدم تا ببینم چه می گذرد. من به زور وارد کارخانه های تولید خز نیز شدم و حیوانات را از آن اردوگاه های فشرده و بسیار کثیف، آزاد کردم. من به پشت صحنه همی مسابقات سوارکاری و سیرک هایی

که از میشیگان می گذشتند، رفتم.

مقیاس مرگی که هر روز پشت دیوارهای کشتارگاه در حال وقوع است، قطعاً غیر قابل تصور است. فریادهای عاجزانه قربانیان، هرگز متوقف نمی شود.



اجازه بدهید که در اینجا گوشت را برای همه تجزیه کنم. گوشت پنج جزء دارد: خون، گوشت، رگ ها، عضلات و زردپی ها: جسد خرد شدی یک بدن قطع عضو شده. چطور است که گوشت برای همه، زشت و نفرت انگیز محسوب نمی شود؟

حیوانات، حتی یک بدی هم به ما نکرده اند که شایسته خشم و بیرحمی ای باشند که ما بر آنها اعمال می کنیم.

یکه گاو شیر ده، بطور مکرر و مصنوعی، باردار می شود. کوساله هایش دزدیده می شوند و شیرش برای نوشیدن گونه ای دیگر، یعنی انسانها گرفته می شود. وقتی شیردهی اش برای متصدی بخش لبنیات، خیلی کم باشد به مزارع فرستاده نمی شود تا بقیه روزهای زندگی اش را تا به آخر در آرامش زندگی کند. خلاف این امر رخ می دهد. فوراً به یک کشتارگاه فرستاده می شود تا بخاطر گوشت کشته شود





مایعی که از پستان یک گاو به بیرون تراوش می‌کند، ترش‌حی است که از غدد پستانی یک موجود دیگر که پر از چرک است، خارج می‌شود. وقتی شما دستگاه‌هایی را سه بار در روز به پستان گاو‌ها وصل می‌کنید تا آنها را تا حد خشک شدن بکنند، آن دستگاه‌ها موجب مقادیر عظیمی از عفونت و خراش بر بیرون و داخل پستان می‌شود.



سپس وقتی که همه هورمون های رشد گاو را به گاوها داده می شود تا اطمینان یابند که مقادیر عظیمی از شیر تولید می شود، این همیشه منجر به عفونت دیگری می شود و آن دستگاه نمی داند که چه چیزی را نباید بمکد و چرک و خلط و عفونت ها، دقیقاً به شیر وارد می شود. و بله آنها می گویند که شیر، پاستوریزه می شود. اما پاستوریزه کردن، یک فرایند زداینده نیست. یک فرایند بهداشتی کننده است. شما صرفاً چرک را بهداشتی می کنید. می توانید این امر را در اینترنت ببینید، صنعت لبنیات وقتی در مجلات بازرگانی خود از مشکلات خودش می نویسد، هرگز از واژه "چرک" استفاده نمی کند. آنها باز هم می خواهند شما را فریب دهند. اصطلاح علمی برای چرک را در لغتنامه ببینید: "شمارش گلبول های سفید".

آیا می دانستید که دولتمان به صنعت لبنیات اجازه می دهد که در هر لیوان شیر گاو، با حجم 237 میلی لیتر به اندازه یک قطره چکان پر از چرک داشته باشد؟  
اوه، بله. یک نفس بخورید!

قطعاً بدن ما، هیچ نیازی به شیر گاو ندارد، همانطور که قطعاً به شیر زرافه، شیر گورخر، شیر کرگدن، شیر اسب آبی، شیر شتر، شیر گوزن، شیر بز کوهی، شیر بز، شیر اسب، شیر خوک، شیر سگ یا گربه، نیازی ندارد. تنها شیری که ما نیاز داریم، شیر سینه مادرمان پس از تولدمان است. همین و زمانی که از شیر گرفته می شویم، دیگر هرگز به یک قطره شیر هم نیاز نداریم. هیچ گونه ای از جانداران این سیاره، پس از گرفتن از شیر به شیر نیاز ندارد. حال اگر می خواهید که مثل من، نوعی شیر را به رژیم غذایی شما اضافه کنید، بالاخره زمانش رسیده که چند خبر خوب را بشنوید. در حال حاضر، هفت نوع شیر وگان در بازار موجود است: شیر سویا، شیر برنج، شیر بادام، شیر شاهدانه، شیر نارگیل، شیر جو دو سر و شیر فندق.



آیا کسی می داند که تخم مرغی که از مرغ گرفته می شود، واقعاً چیست؟ تخم مرغ های بارور نشده در یک سیستم زبانه، به خشکی از دوریه قاعدگی اش هستند. این پریود مرغ است!

درباره استفراغ چه؟ گر چه بهتر است که به این یک نام خوب دهیم. هیچ کس نمی خواهد که استفراغ را بخورد، مگر اینکه آنرا عسل بنامیم. عسل، مستقیماً از معدیه زنبور می آید. آن درست از دهان زنبور بالا آورده می شود. از هر زیست شناس حیات وحشی در این باره می توانید بپرسید. اما هیچ کسی نمی خواهد که آجیل و غلیه صبحانه را با استفراغ زنبور بخورد.

ما می خواهیم "آجیل و غلیه صبحانه را با عسل" بخوریم، پس خودمان را اغفال می کنیم، با لغات بازی می کنیم

رژیم غذایی استاندارد یک گوشتخوار، شامل خون، گوشت، رگ ها، ماهیچه ها و زردپی ها، ترشحات گاو، پریود مرغ و استفراغ زنبور است.

وقتی من به کلاسی قدم می گذارم و می خواهم برایشان صحبت کنم. می خواهم که آن "کلید شفقت" را روشن کنم و به آنها می گویم که، شما اینطور آغاز نکردید. شما در گذشته، عاشق حیوانات بودید. چه روی داد؟ چرا شما از رنج گاوها و خوک ها و جوجه ها و بوقلمون ها و ماهی ها، صرف نظر می کنید؟ چرا به آنها برچسب غذا می زنید؟ شما به سگ ها و گربه ها برچسب غذا نمی زنید. بستگی دارد به نقطه ای از دنیا که در آن هستید، در این بخش از دنیا، شما به نهنگ ها و دولفین ها برچسب غذا نمی زنید. در این قسمت از دنیا شما آموخته اید که نهنگ ها و دولفین ها و سگ ها و گربه ها، دوستانان هستند و آموخته اید که گاوها و جوجه ها و بوقلمون ها دوست شما نیستند.



اما آنچه شما آموخته اید، بیرحمی است. این واقعیت نیست. زیرا حیوانات غذا نیستند، آنها لباس نیستند، آنها نمونه های تحقیقاتی نیستند. آنها اینجا نیستند که تبدیل به کالا و جسد شوند.

من در دبستان ها، مدارس راهنمایی و دبیرستان، سال ها صحبت کرده ام. زمانی که با دانش آموزان کوچکتر صحبت می کنم، مشکل این است که معلمین در مدارس ابتدایی به من می گویند: "شما اجازه ندارید، فیلم های کشتارگاه را نشان دهید. کودکان ممکن است، کابوس ببینند." پاسخ من، همیشه این است: "شما دارید دقیقاً ثابت می کنید که دیدگاه من، صحیح است." اگر من به آنها زارعین بروکلی را نشان می دادم، آنها کابوس نمی دیدند. اگر نشان دهم که مردم سیب از درخت می کنند، هیچکس شروع به گریه نمی کند و با فریاد از اتاق فرار نمی کند. آنها صرفاً این موضوع را اثبات می کنند و چرا ما باید

حقیقت را پنهان کنیم؟ خیلی غم انگیز است که شما می توانید به کودکان دروغ بگویید. اما نمی توانید بدون دردرس، حقیقت را به آنها بگویید.



لطفاً بار دیگر که غذایی را سفارش می دهید یا می خرید، دوباره فکر کنید؛ تنها دو انتخاب وجود دارد: ب یرحمی یا شفقت. همه ما در زندگی در یک سفر هستیم. ما همه، علایق و عدم علایق مختلفی داریم، ملیت ها و مذاهب متفاوت نیز داریم اما یک چیز هست که ما نیاز است با هم بطور مشترک داشته باشیم و آن شفقت اصیل و صلح حقیقی برای همراهانمان در این سیاره است.

حیوانات به ما تعلق ندارند. آنها کالا نیستند. اگر شما و اعضای خانواده تان بجای حیوانات بودید، امید داشتید که کسی از راه آنها خارج شود و کمی تلاش بیشتر کند تا شما مجبور نباشید که رنج بکشید و بمیرید، تا شکنجه نشوید. پس لطفاً در این راه تلاشی بکنید



**YOU ARE MY VOICE!**

برای تماشای فیلم سخنرانی های "گری یوروفسکی" و دریافت اطلاعات و جزئیات بیشتر لطفاً از این تارنما دیدن کنید

[www.ADAFTT.org](http://www.ADAFTT.org)

مقاله گری یوروفسکی با عنوان: توقف ظلم به حیوانات به آدرس زیر مراجعه نمایید:

<http://www.phce.org/1389-05-02-03-26-30/647-1390-04-08-19-53-40.html>

